هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

سرمقاله
آیا "جبههٔ تفاهم ملی" یک اپوزسیون واقعی خواهد بود؟ ص۲

اندرزهایی برای خوشبختی زن و شوهر ص۶

کابل جدید ومشکل مردم بی سرپناه ص۵

دور ششم سال چهارم شمارهٔ ۳ چهارشنبه ۱۷ حمل ۱۳۸۴ ۲۶ صفر المظفر ۱۴۲۶ - 6 April 2005

کنفرانس بین المللی انکشاف افغانستان

بازسازی افغانستان حسابدهی و شفافیت می طلبد

کنفرانس بین المللی انکشاف افغانستان روز دو شنبه ۱۵ حمل در وزارت امور خارجه گشایش یافت.

در این کنفرانس نمایندگان ۸۵ کشور و مؤسسات بین المللی اشتراک داشتند. هدف از برگزاری این همایش که پس از موافقتنامهٔ بن سومین کنفرانس بین المللی می باشد. این است تا کشورهای کمک کننده به افغانستان تعهدات مشخصی ارائه بدارند. انتظار می رود که کشورها و مؤسسات بین المللی، بیشتر کمک های شان را از طریق دولت به برنامه های انکشافی دارای اولویت بپردازند؛ زیرا تجربهٔ بازسازی افغانستان طی دو سال گذشته نتیجهٔ ملموس و موفقیت چندانی نداشته است.



در نخستین روز کنفرانس، حامد کرزی رئیس جمهوری افغانستان در مورد رشد اقتصادی افغانستان سخنرانی نموده گفت: در عرصهٔ استخدام و کار در مقایسه با کشورهای همسایه در موقعیت خوبی قرار داریم. در بخش تجارت، تبادلهٔ کالاهای تجارتی ما با پاکستان یک میلیارد دلار و با چین سه صد میلیون دلار را احتوا می کند.

وی گفت: ما اولویت بازسازی کشور خود را طبقه بندی نموده ایم، و وعده می دهیم تا پنج سال آینده سطح فقر را به نصف کاهش دهیم و عاید سرانه را از پنج تا هفت صد دلار برسانیم. وی عمده ترین چالش در برابر دولت را کشت و قاچاق مواد مخدر دانست و از کشورها و سازمان ها خواست تا در این عرصه حمایت وهمکاری شان را اعلام نمایند. ص۷

سفیر روسیه را استاد ربانی رهبر جهاد و مقاومت دیدار کرد

روز شنبه ۱۳ حمل سال جاری آقای کابلوف سفیر کشور روسیه را استاد برهان الدین ربانی رهبر جهاد ومقاومت، در اقامتگاه شان



دیدار نمودند، سفیر روسیه از دیدار با استاد ابراز خرسندی کرد و یاد آور شد که ما طرفدار توسعه و تعمیق روابط بین افغانستان و روسیه هستیم و امیدوارم انتخابات ص۶

استاد در دیدار با سفیر چین:

نقش کشورهای همسایه در مسائل اقتصادی و فرهنگی خیلی مهم است



دیروز سه شنبه ۱۶ حمل سال جاری استاد ربانی رهبر جهاد ومقاومت، سفیر چین را به ملاقات پذیرفتند. در این دیدار سفیر چین از جناب استاد به عنوان یک سیاستمدار کاردان و جامعه شناس یاد کرد و در مورد همکاری های دولت چین به افغانستان گفت: ما برای ترقی و تعالی افغانستان، با مجامع بین المللی یکجا کار و فعالیت می کنیم و همچنان در مورد کارشفاخانهٔ جمهوریت و روند پاک کاری نهر ولایت پروان به استاد معلومات داد.

"جبههٔ تفاهم ملی" و ناسازگاری کلمات "جبهه" و "تفاهم"!

روز پنجشنبه گذشته یازدهم حمل، جبههٔ تفاهم ملی به عنوان اپوزسیون اعلام موجودیت نمود.

در مورد نقش، اهمیت و ضرورت اپوزسیون در همه نظام ها وسیستم های مبتنی بر اصول دموکراسی و دربارهٔ تفاوت جایگاه، موقعیت و مؤثریت آن در سیستم های پارلمانی و ریاستی حرف های زیادی وجود دارد. همچنین در مورد اعلام این جبهه می توان سوال ها، شک ها، تردیدها، امیدها، باورها و نا باوری های زیادی را مطرح و فهرست نمود و به صورت واقع بینانه به مطالعه، بررسی و تحلیل گرفت... ولی در اینجا موضوع



بحث فقط کلمات "جبهه" و "تفاهم" است که از نظر نگارنده، درکنار هم برای نام یک اپوزسیون، فاقد همخوانی ومطابقت اند زیرا:

- جبهه نشان دهندهٔ ایستادگی، مقابله، مقاومت و پایداری است وحاکی از عزم، جزم و رزم آوران هدفمند برای ستیز و پیکار برای رد وطرد تجاوز خارجی و یا استبداد داخلی و در یک جمله مبارزه علیه دشمن مشترک است. در حالی ص۵

پیام جمعیت اسلامی افغانستان

به مناسبت درگذشت پاپ ژان پال دوم رهبر کاتولیک های جهان

جمعیت اسلامی افغانستان وفات پاپ ژان پال دوم رهبر مذهبی کاتولیک های جهان را نه تنها ضایعه یی بزرگ برای جهان مسیحیت تلقی می کند بلکه آن را ضایعه یی می داند برای همه حرکت ها و جنبش هایی که در راه



احقاق حقوق حقهٔ ملت های مظلوم مجدانه سعی و تلاش می ورزند.

جمعیت اسلامی افغانستان همان گونه که موضعگیری های سازندهٔ او را در عرصه های تقریب ادیان و دفاع از قضیهٔ برحق ملت مظلوم فلسطین و محکوم نمودن جنگ علیه عراق به دیدهٔ قدر و احترام می نگرد، مراتب تسلیت خویش را به خانوادهٔ او و جهان مسیحیت تقدیم داشته و از همه کاتولیکان جهان می طلبد تا شخصی را به حیث جانشین وی تعیین نمایند که راه او را ادامه داده و در راستای تحقق اهداف بزرگ انسانی او از هر گونه سعی و تلاش دریغ نورزد.

استاد در دیدار با مسؤول ادارهٔ بین المللی انکشافی آمریکا در بدخشان:

برنامه های انکشافی باید دوام یابد

استاد برهان الدین ربانی رهبر جهاد و مقاومت روز پنجشبه گذشته ۱۱ حمل با آقای جان نیت مسؤول ادارهٔ بین المللی انکشافی USAID در ولایت بدخشان در دفتر کارشان دیدار نموده در مورد ادامهٔ مساعدت این اداره به برنامه های انکشافی در ولایت بدخشان صحبت کردند.

مسؤول ادارهٔ بین المللی انکشافی آمریکا در مورد ص۶



اپوزسیون و حاکمیت مردم سالار ص۲

جلسهٔ محاکمهٔ هشت تن کارمندان وزارت حج و اوقاف برگزار شد

دومین جلسهٔ محکمه ابتدائیه دربارهٔ محاکمهٔ هشت تن از کارمندان وزارت حج و اوقاف که متهم به اختلاس، رشوت و سوء استفاده از صلاحیت و ظیفه یی در جریان مراسم حج در سال ۱۳۸۳ می باشند روز سه شنبه ۱۶ حمل در ولایت کابل برگزار گردید.

محکمه تحت ریاست نصر الله مولوی زاده رئیس محکمهٔ امنیت عامه در حالی که رئیس محکمهٔ مرافعه نیز حاضر بود برگزار گردید.

در آغاز سارنوال محمد نعیم داوری صورت دعوا ، علیه متهمان هریک: محمد قسیم و مسعود معتمدان، میرواعظ مدیر ریاست پلان، دکتر سیدابراهیم حکمت رئیس زایران و حج ، عبد المعبود رئیس مساجد و ص۷

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل- چهار راهی پروان دوم جادۀ بادام باغ
صندوق پستی : ۲۲۶
شماره های تلفن:
تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ - ۲۲۰۲۲۱۴ - ۰۲۰
E-mail: mujahidweekly@yahoo.com

سرمقاله

آیا "جبهۀ تفاهم ملی" یک اپوزسیون واقعی خواهد بود؟

روز پنجشنبه ۱۱ حمل تشکیل جبهۀ تفاهم ملی به عنوان اپوزسیون طی یک نشست خبری در کابل اعلام گردید. گفته شده است که این جبهه مرکب از چندین حزب وشخصیت سیاسی و در واقع شامل اکثر تشکل های نو بنیاد و نا شناخته وتعدادی از وزرای سابق و افراد شناخته شده می باشد.

قابل یاد آوری است که جناب آقای کرزی پس از اعلام نتایج انتخابات ریاست جمهوری و به خصوص معرفی کابینۀ جدید از ضرورت تشکیل یک اپوزسیون صحبت نموده و به صورت مشخص از آقای قانونی نام برده و به ایشان سفارش داده بود!

سؤال عمده واساسی در مورد نقش و جایگاه اپوزسیون در یک نظام ریاستی است که بعضی ها گمان می برند، اپوزسیون دارای نقش همانند و یکسان درهمه نظام ها و سیستم ها می باشد.

موضوع مهم این است که در نظام ریاستی به مشکل می توان اپوزسیون را تشخیص داد وهمچنان احتمال دارد در عین زمان شاهد چندین اپوزسیون بود؟ اما در نظام پارلمانی به سهولت و وضاحت اپوزسیون شکل می گیرد و جایگاه قانونی خود را باز می یابد. در سیستم پارلمانی است که پس از انتخابات وتشکیل شورا وحتی در نخستین اجلاس آن حزب و یا ائتلاف حاکم و همچنین حزب و یا ائتلاف مخالف (اپوزسیون) بر اساس اکثریت و اقلیت مشخص می گردد و بنا بر این هر دو، نهادهای تعریف شده، مشخص و قانونمند بوده و در تالار شورا در جایگاه و موقعیت های خاص قرار می گیرند.

حاکمیت و اپوزسیون در نظام پارلمانی می توانند با از دست دادن و یا به دست آوردن اکثریت، جا عوض کنند و آن که امروز اپوزسیون است، حاکمیت فردا باشد و بالعکس، اعلام جبهۀ تفاهم ملی، ابراز نظرهای متفاوت ومتضادی را در پی داشته است.

بعضی ها با در نظرداشت ضرورت مهار قدرت و جلوگیری از انحراف آن به سوی استبداد و خودکامگی در نظام ریاستی، وجود اپوزسیون را یک امر لازم وضروری دانسته و این اقدام (تشکیل جبهۀ تفاهم ملی) را ستوده اند و این که یکی دو تن از کاندیداهای انتخابات گذشتۀ ریاست جمهوری در رأس وبدنۀ این جبهه قرار گرفته اند؛ احتمال می دهند که جبهۀ مذکور ممثل یک اپوزسیون واقعی خواهد بود.

اما اکثر مردم به این باورند که بزرگان شناخته شدۀ این جبهه را کسانی تشکیل می دهند که از توافقات بن و ادارۀ موقت همراه و همگام با رئیس دولت بوده اند و به حیث وزیر و رئیس ایفای وظیفه نموده اند، بنا بر این نه با نظام مخالف بوده اند و نه با سیاست ها و برنامه های آن، بلکه در اکثر موارد مؤید و مجری آن برنامه ها نیز بوده اند!

اضافه بر آن، پس از اعلام نتایج انتخابات ریاست جمهوری، احتمال راهیابی آنان به کابینۀ جدید وجود داشته است و خودشان نیز بارها علاقه و تمایل شان را برای شرکت وخدمت در دولت ابراز داشته اند و به صورت پیدا و پنهان تلاش نموده اند!

پس علاقه، تمایل و تلاش یاد شده به معنی تأیید برنامه ها وخط مشی رئیس جمهور و دولت است **ص۵**

اپوزسیون و حاکمیت مردم سالار

تکساری

هر حکومت مشروع وقانونی، دارای جریان مخالف نیرومند است که عملکرد دولت را در همه زمینه ها، مورد بررسی قرار می دهد. این نیرو اشخاص و تشکیلاتی اند که در داخل جامعه زندگی می کنند، دارای برنامۀ عمل اند و در ساختار سیاسی سهم می گیرند و در صورت انتخابات با پیشکش نمودن برنامۀ خویش بر حاکمیت سیاسی دست می یابند.

دولت های قانونمند، دارای اپوزسیون نیرومند می باشند که موجودیت این اپوزسیون بر نیرومندی آن می افزاید. دولت های فاقد اپوزسیون منجر به استبداد گردیده و حکومت های توتالیتر از این دست محسوب می گردند، دولتی که ادعای دموکراسی نماید ولی از داشتن اپوزسیون محروم بوده وصدای مخالف در آن وجود نداشته باشد، در حقیقت دیکتاتوری شاخداری در آن سرزمین حکومت می کند.

گرچه دموکراسی ممکن است چیزی را برای ما ضمانت نکند؛ زیرا آحاد مختلف جامعۀ ما تعریف و شناخت دقیقی از آن ندارند. اما با آنهم فرصتی را برای مردم خواهد داد که خطر شکست سیاسی را از خود دفع کنند.

گفته شده است که دموکراسی پیروزی سیاسی مردم است، ما انسان های آزادیم و خداوند این آزادی را برای ما داده است. همچنان گفته شده است که دموکراسی شیوۀ زیست با همی است و در پرتو مقولاتی چون دموکراسی، جامعۀ مدنی و... ما ارزش مشارکت جمعی را درک کرده می توانیم و با این مشارکت جمعی انسان ها آزادی خود را تجربه می کنند. مردم وقتی در چنگال زر و زور و تفنگ اسیر می شوند که از مشارکت جمعی و سازمان یافته محروم نگهداشته شوند. تشکیل احزاب سیاسی، مبارزۀ قدرت از طریق احزاب سیاسی، ائتلاف احزاب، احزاب و برنامۀ آنها از دست آوردهای عصر مدرنیته است که خیلی دیرتر به سراغ ما آمده است. طوری که شهروندان در انتخابات رقابتی اشتراک می ورزند وعمدتاً احزاب با برنامه های خویش وارد عمل می شوند، اگر حزبی رأی اکثریت را در پارلمان به دست بیاورد، می تواند پالیسی های جدیدی را برای حکومت طرح کند.

در جوامع دموکراتیک رهبران احزاب سیاسی در درجۀ اول نزد مردم جوابده اند. در حالی که در جوامع استبدادی رهبران احزاب نقش قاتلان مردم را به خود می گیرند؛ مانند حزب بعث عراق در حاکمیت صدام حسین، حزب دموکراتیک افغانستان و احزاب دیگری در غرب و شرق و دیگر جاهای دنیا.

اسناد نشان می دهد که در حکومت صدام حسین شرط کاریابی در دولت، داشتن عضویت حزب بوده است وهمچنان در حزب بعث سوریه وحزب دموکراتیک افغانستان، احزابی که در سال ۱۳۵۷ قدرت را در افغانستان به دست گرفتند، دارای هیچ گونه طرزالعمل دموکراتیک نبودند و مردم افغانستان قربانی این افکار گردیدند.

در افغانستان احزاب سیاسی تا قبل از سال ۱۳۸۱ بدون مجوز قانونی عمل می کردند، بدون این که قانون احزاب در دهۀ دموکراسی توشیح و احزاب از مجاری قانون به فعالیت آغاز نمایند، به طور لجام گسیخته و با افکار افراطی و غیر ملی جامعه را به تباهی کشانیدند. بنا بر این احزاب در افغانستان از فرهنگ والای سیاسی کم بهره اند. تا هنوز این احزاب به رقیبان خدمتگزاری مردم تبدیل نشده اند. یک شبه حزب ساخته می شود، در مقاطعی شعار می دهند وبعداً به خاموشی می گرایند.

> **احزابی که در سال ۱۳۵۷ قدرت را در افغانستان به دست گرفتند، دارای هیچ گونه طرزالعمل دموکراتیک نبودند و مردم افغانستان قربانی این افکار گردیدند.**

در آستانۀ انتخابات ریاست جمهوری بعضی از احزاب اعلام موجودیت کردند و از کاندیداتوری آقای کرزی حمایت نمودند و شعارهای افغانستان سربلند، امنیت، خلع سلاح عمومی و حکومت قانون، حامد کرزی را به پیروزی رسانید.

> **به یقین تشکیل این جبهه در یک پروژۀ زود رس به نفع حکومت آقای کرزی و دوستان آن تمام خواهد شد.**

اما نبود یک اپوزسیون در این حکومت محسوس بوده است که همواره ذره بین نقد بر اعمال آن جاری و ساری بوده باشد. از زمان موجودیت این جبهه که گاهی خود را اصلاح طلب و گاهی اپوزسیون می خواند، به یقین آقای کرزی اطمینان یافته است و خلای به جا مانده از حکومت های قبل از انتخابات را می خواهد به وسیلۀ این احزاب و شخصیت ها پر نماید.

اما اندیشمندان بدین باورند که عده یی از این شخصیت ها فقط به درد جنگ می خورند، نه به درد صلح، به سخن دیگر عده یی از اینها شخصیت های دوران جنگ اند نه صلح و بازسازی، دموکراتیزه ساختن جامعه به وسیلۀ این اشخاص بازی به سرنوشت مردم است. عده یی از این اشخاص باید جواب سرمایه های باد آوردۀ خود را در یک محکمۀ بین المللی بدهند. بعد دیگران را توصیه کنند و حکومت عادل بگویند.

موفقیت این احزاب وقتی بروز خواهد کرد که آنها بتوانند در پارلمان آینده نقش پای داشته باشند و در پارلمان، احزابی که از تشکیلات تنظیمی برخوردار بوده باشند، ایجاد گردد. اما گمان برده نمی شود که از این لست طویل وعریض احزابی که مردم از برنامۀ آنها چندان آگاهی ندارند، بتوانند به پارلمان راه پیدا کنند. از سوی دیگر نقش احزاب در نظام پارلمانی چشمگیر است که همواره در یک ائتلاف از مواضع مشترک دفاع می کنند نه در نظام ریاستی.

واژه هایی که این احزاب برای خود انتخاب نموده اند و خود را جبهۀ اصلاحی می خوانند، فقط برای استعاره در شعر به کار خواهد آمد، نه برای سیاست گذاری های بزرگ. عده یی از این شخصیت ها که در یک جبهۀ واحد اعلان موجودیت کرده اند در حکومت های موقت و انتقالی یا در مقام وزیر قرار داشتند و یا در پست های پر در آمد دیگر موظف بودند که از در آمد این پست ها، حالا خواسته اند با تأسیس حزب عطش آقایی خود را فرونشانند.

گفته می شود که بهانه هایی برای زیستن وجود دارد، دشواری های زمستان برای رسیدن بهار صبورانه تحمل می شود، تضییقات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و... به بهانه های فردا و بهتر زیستن سهل تر می گردد. هر وقت این بهانه ها در زندگی پایان یابد، مرگ فرا می رسد. تشکیل چنین جبهه در حقیقت بهانه هایی است برای زیستن آنها. وقتی این جبهه از قوت و صلابت خاص برخوردار خواهد بود که بتواند دکترین و استراتژی بهتر از دولت را ارائه نماید. جامعۀ روشنفکری و قوت های جهادی از آن دفاع کنند ولی بیم آن می رود که با وزیدن یک باد مخالف، این جبهۀ نا متجانس از هم فرو پاشد و هر یک به تنهایی با حکومت وارد معاملۀ سیاسی شود، طوری که تجربه نشان داده است، استراتژی های مقطعی ائتلاف هایی را به وجود آورده و در تصادم منافع از هم فرو ریخته است.

به یقین تشکیل این جبهه در یک پروژۀ زود رس به نفع حکومت آقای کرزی و دوستان آن تمام خواهد شد.

کاندیداهای ریاست جمهوری!!

همنوا

در ۱۸ میزان سال گذشته انتخابات ریاست جمهوری در کشورما برگزار و در ۱۳ عقرب نتایج آن اعلام گردید. اکثر کاندیداها موفق نشدند تا حتی یک فی صد آرا را به دست بیاورند و به مهم ترین رقیب انتخاباتی رئیس جمهور نیز کمتر از هفده در صد آرا تعلق گرفت.

بنا بر این انتخابات مذکور از لحاظ برنامه ها وخط مشی ها وهم از لحاظ افراد و چهره ها زیاد جالب وجدی نبود. انتخابات برگزار ونتایج آن اعلام وقصهٔ آن تمام شد ولی کاندیداهای انتخابات ریاست جمهوری به حیث یک تشکل و مجمع، داستان طولانی ودنباله داری دارند که پایانی برای آن متصور نیست! هرگاه و بیگاه و در هر موضوع و مورد از آنان نام گرفته می شود ومی خواهند همین نام، افتخارات نامزدی ونتایج انتخابات ریاست جمهوری را حفظ و از آن حراست و پاسداری نمایند!

کاندیداها در انتخابات ریاست جمهوری چون هرکدام برای خود مبارزه می کنند پس نمی توانند با هم ائتلاف داشته باشند زیرا اشخاص اند ونه احزاب و یا تشکل ها و همچنین می توانند در برابر برخی از مسائل دارای موضع و موقف و یا طرح و پیشنهاد مشترک باشند مانند نحوهٔ برگزاری انتخابات ونظارت بر آن وشیوهٔ شمارش آرا وغیره و این هماهنگی وموضع مشترک نیز تا زمان اعلام نتایج قطعی انتخابات ادامه خواهد یافت و با پذیرش نتایج انتخابات به خودی خود خاتمه می یابد؛ زیرا انتخابات پایان یافته، نتایج اعلام شده ویکی از کاندیداها به حیث رئیس جمهور انتخاب گردیده است. امروز که ماه ها از انتخاب رئیس جمهور، برگزاری مراسم تحلیف، تعیین و آغاز به کار کابینهٔ جدید می گذرد، باز مطرح شدن کاندیداهای ریاست جمهوری توسط خودشان و یا رسانه ها یک امر عبث، بیهوده و بی مورد است و فقط می توانند به حیث افراد و یا رؤسا و اعضای تشکل ها مطرح گردند و یا دربارهٔ گذشتهٔ آنان اشارهٔ کوتاهی به نامزدی شان در انتخابات ریاست جمهوری گردد وبس. زیرا انتخابات ریاست جمهوری و کاندیداها، از قصه های پارینه و به تاریخ پیوسته است که امروز محل ومجالی برای مطرح کردن آن وجود ندارد. در کشور بزرگی چون امریکا و با وجود رقابت بسیار جدی و حساس میان دو کاندیدا (جورج بوش و جان کیری) پس از اعلام نتایج انتخابات و برنده شدن بوش دیگر نامی از جان کیری برده نمی شود ونه خود او به عنوان جدی ترین رقیب رئیس جمهور در انتخابات، خود را مطرح می کند و در اینجا و آنجا حاضر می گردد بلکه او به میدان آمد، مبارزه کرد، در رقابت جدی شرکت نمود، و نتایج انتخابات و شکست خود را پذیرفت و رفت دنبال کارش...

همچنین در کشور همسایهٔ ما ایران در انتخابات سال ۷۶، آقای ناطق نوری که رئیس شورا بود و بزرگ ترین وجدی ترین رقیب آقای خاتمی پنداشته می شد پس از اعلام نتایج انتخابات و پذیرش شکست وگفتن تبریک به رئیس جمهور، صحنه را آبرومندانه ترک گفت و خود را برجامعه تحمیل ننمود.

به همین صورت در کشور پاکستان (که وجود، اهمیت وسیاست آن را بعضی ها به هیچ می گیرند!) پس از اعلام نتایج انتخابات پارلمانی حتی برخی از رهبران احزاب سیاسی به دلیل شکست در انتخابات از رهبری کنار می روند و به دیگران فرصت می دهند... ولی این ما هستیم که باید در کنار ده ها خبر و گزارش ناخوش آیند و اعلام و حضور ده ها تشکل بی مورد وغیر قانونی، خبر گردهمایی وتصمیم گیری های کاندیداهای سابق انتخابات گذشتهٔ ریاست جمهوری را نیز تحمیل نماییم!! که اعلام جبههٔ تفاهم ملی آخرین مورد نمایش حضور آن کاندیداهاست! باقی خیر!

چالش های عمده در برابر معارف افغانستان

بخش اول

عبدالعلی کوهی



معارف افغانستان در برابر چالش های جدی مواجه است که طی سال ها رسوب کرده است.

امروز ضرورت احساس می شود که معارف افغانستان از حالت کنونی آن بیرون و متحول کرده شود زیرا انتقال تکنولوژی فقط به وسیلهٔ معارف در کشور امکان پذیر می شود، به وسیلهٔ معارف متوازن و سراسری است که فرهنگ عمومیت پیدا می نماید، بنیادهای مدنی رشد می کند و ارزش های ملی تقویت می گردد.

طوری که جریان مشروطیت در سپیده دم قرن بیستم به وسیلهٔ همین معارف، به ویژه گروه لیسهٔ حبیبیه رهبری و هدایت می گردید، همان سان که قرن پانزده و شانزده را در اروپا به نام دورهٔ نهضت یاد کرده اند و قرن نهم هجری را در شرق، رنسانس شرق گفته اند امروز نیز ایجاب می کند چنین یک نهضتی در معارف به وجود آید وهمهٔ فرزندان کشور به فراگیری علوم و فنون معاصر فرا خوانده شوند که انجام این کار از خود پیش شرط هایی را مطالبه می نماید که دولت یکجا با مردم در این مبارزهٔ ملی باید سهیم گردند و این جادهٔ یک طرفه نیست که فقط دولت ادای مسؤولیت نماید، بلکه آحاد مختلف جامعه در یک چنین حرکت ملی باید شرکت ورزند.

در قدم نخست ضرورت است که به تعمیم سواد پرداخته شود، تا ارقام بی سوادان تقلیل یابد و سیستم اداره و حیات اجتماعی دموکراتیزه ومدنی گردد.

امروز مطبوعات کشور فقط مناطق شهری را مورد پوشش وخطاب قرار می دهد، چیزی که در دورهٔ مشروطیت وجود داشته است؛ اوضاع فرهنگی افغانستان نسبت به پنجاه سال قبل از نظر آموزش و سواد چندان تغییر نیافته است.

این بی سوادی مزمن در برابر هر نوع پیشرفت اجتماعی یک مانع است و دولت را به مبارزه می طلبد.

از روزگار سلطنت شیر علی خان که با تأسیس دو مکتب عسکری و ملکی برای خوانین همراه بود تا اکنون معارف کشور مد و جذرهای فراوانی را دیده است.

به گونه یی که اساس معارف افغانستان را علوم اسلامی تشکیل می داد. علوم اسلامی شامل تفسیر، حدیث، فقه، اصول، صرف، نحو و... اساس و بنیاد معارف را در گذشته ها می ساخت.

در افغانستان مدارس دینی از زمانه های قدیم بدین سو وجود داشته در این مدارس به صورت شخصی توسط استادانی که در بخارا وهند قدیم درس آموخته بودند، تدریس صورت می گرفت، مصارف و هزینهٔ این مدارس از طرف مردم به طور داوطلبانه پرداخته می شد، پسان ترها تعداد این مدارس افزایش یافت. اما تأسیس مکاتب در افغانستان در نیمهٔ دوم قرن نزدهم در عهد امیر شیرعلی خان آغاز می یابد که عمدتاً در نصاب تعلیمی این مکاتب تغییراتی نظر به اوضاع و احوال پیش آمده در منطقه وجهان به وجود می آید که معارف فعلی ما بر بنیاد های آن استوار می باشد. چیزی که هم اکنون در شهرها و مناطق و شهرهای بزرگ در حال کمرنگ شدن است، همین داشته های اسلامی از طریق مسجد است که ارزش های ملی و اسلامی ما را قوام می بخشد. کودک قبل از آن که به مکاتب رسمی قدم می گذارد باید به این ارزش های دینی و اخلاقی مجهز باشد که به یقین این ارزش ها را یا از خانواده بیاموزد و یا از مسجد و تکایا.

بناءً نقش تعلیمات خصوصی و نظام خانواده، شخصیت کودک را تکمیل نموده و آن را آمادهٔ فراگرفتن علوم عصری، می سازد. اما جنگ و ویرانی در طی چند دهه، به نظام معارف کشور صدمه وارد ساخت. مکتب محل و سنگر جنگجویان قرار گرفت و نظام آموزش و پرورش از شور و حرارت خود بازماند و کمرنگ گردید. تعدادی از آموزگاران کشور یا اعدام گردیدند و یا از انرژی و توان آنها در کارهای غیرمفید استفاده به عمل آمد ونظر به مشکلات اقتصادی، آنها مجبور ساخته شدند که در صف اردو، پلیس و دستگاه های جهنمی استخبارات جذب گردند و وظیفهٔ اصلی خود را ترک نمایند. از جانب دیگر با از بین رفتن زیر ساخت های اقتصادی، زیر ساخت های معارف از قبیل مکتب، کتابخانه، وسایل تدریس، لابراتوار و... از بین برده شد.

امروز نه تنها روستا ها و محلات دور دست به مشکل کمبود معلم، لابراتوار و جای مناسب برای تدریس مواجه است بلکه شهرهای بزرگ نیز با این خلای به جا مانده از جنگ مواجه است.

اینها همه چالش هایی اند که در برابر دولت کنونی و دولت های بعدی قرار دارند، میزان شاگردان واجد شرایط رفتن به مکتب به میلیون ها تن می رسد که فراهم کردن امکانات و زمینهٔ سالم تدریس نه تنها از توان وزارت معارف به دور است، بلکه بدون مساعدت های بین المللی دولت قادر نیست که نیازهای به جا مانده از دوران جنگ را فراهم سازد. آنچه از همه مهمتر اندیشمندان عرصهٔ تعلیم و تربیت را رنج می دهد، کمبود معلم مسلکی است که نیاز کنونی جامعه و تکنولوژی معاصر بدان وابسته است و شاگردان بایست آن را در این دورهٔ معین بیاموزند تا جریان بازسازی و نوسازی در کشور را به گونهٔ سالم هدایت نمایند. کمبود امتیازات، عدم حضور معلمان مسلکی در مناطق دور دست، مشکلی است که جامعه بدان مواجه است که همه ساله این بحران عمیق تر می گردد.



اما این دشواری ها در معارف کشور کمتر انعکاس داده می شود، رفع برخی از دشواری ها در قدم نخست از یک کفایت، مدیریت، لیاقت و کاردانی نمایندگی می کند که فعالیت های دولت در شرایط کنونی در این عرصه ها کمرنگ گردیده است بناءً ایجاب می کند که یک کمیتهٔ با صلاحیت در سطح دولت ایجاد گردد تا همه دشواری ها و موانع را بررسی نموده و مردم، جامعهٔ جهانی و مؤسسات خیریه را به یاری وهمکاری دعوت نمایند.

"دعای سبز علف" نجوای غریبانگی

محمد اسحاق فایز

در سال هایی که فرهنگ از رونق افتیده است و فرهنگی و قلم به دست را ارجی و مقامی نیست و در سال هایی که بازار کتاب و چاپ کتاب کساد است و مراجع مسؤول، پختهٔ غفلت بر گوش های گران خود نهاده اند، چاپ یک مجموعهٔ شعری یا داستانی و یا از قماش دیگری در کشور ما غنیمت است.

غنیمت از آن جهت، دولتی که در طی سه سال گذشته بالغ بر پنج میلیارد دلار در امور مختلف آن هزینه شده است حتی یک افغانی را صرف چاپ کتاب ننموده است.

وزارت اطلاعات، فرهنگ و توریزم به عنوان یک مرجع مسؤول چاپ کتاب به دلایل مختلف از جمله ضعف مدیریت و عدم توجه به اوضاع فرهنگی کشور، نتوانسته است (و نخواسته است) تا به چاپ کتاب دست بزند و در این راستا گزینه های شعری یا داستانی و یا کتبی از سایر عرصه های علمی، فرهنگی و اجتماعی چاپ بکند.

به اصل موضوع رجوع می کنم، به بهانهٔ نگرشی به مجموعهٔ "دعای سبز علف" تراویدهٔ از فکر و اندیشهٔ قیوم ملکزاد، به حاشیه رفتم و امیدوارم که مسؤولان امور در این راستا تلاش نموده و چاپ کتاب را نیز در کشور ما جزء امور فرهنگی قلمداد کنند.

عبدالقیوم ملکزاد از جملهٔ شاعران پرتلاش و زحمت کش کشورماست. امتیاز دیگر ایشان قلم زدن در روزگار جهاد و مقاومت است و از این جهت ایشان را از جمع شاعران مقاومت می دانم.

کتاب مجموع اشعاری را در بر می گیرد که در سال های متفاوتی از دههٔ پنجاه به بعد سروده شده است، در طی این سال ها افغانستان دستخوش حوادث و رویدادهای خونین و فاجعه بار بود و درست طی این سال هاست که پس از سقوط حاکمیت کمونیست ها در کشور، تجاوزی دیگر به کشور ما آغاز می گردد.

ملکزاد، مهجور و دردمند، مقاوم و ثابت قدم و گاه مأیوس، لب به اعتراض می گشاید و حاصل آن این مجموعه است که در آستان خداوند جهان "دعای سبز علف" نامیده شده است تا لحظهٔ اجابت.

کتاب با مقدمهٔ خود شاعر آغاز می شود، مقدمه یی که بیش از حد معمول طولانی و زاید است. پس از این مقدمه، تقریظ های دیگری از شاعران و ادبای کشورمان می آید که در خصوص شعر ملکزاد نگاشته اند وعده یی از آنها نیز جایی و مقامی در این مجموعه ندارند.

چنین می نماید که سراینده خواسته است به این ترتیب با مقدمهٔ طولانی خود در حقیقت کتاب را قطور و حجیم سازد. این در حالی است که ملکزاد می توانست همه نکات مشمول در مقدمه اش را در یکی دو صفحه مختصر می ساخت که اسباب ملالت خواننده هم نمی شد.

عیب دیگر این مقدمه این است که ملکزاد حتی در مقدمه اش زبانی دارد که گویی برای خودش خطاب می کند. در حالی که می کوشد دلایل چاپ این مجموعه را به خواننده خودش بفهماند.

به هر صورت ملکزاد ۴۷ صفحهٔ نخستین مجموعهٔ "دعای سبز علف" را به تقریظ ها و گفته های خودش اختصاص داده است که نمی دانم خواننده هایش در مورد چگونه قضاوت خواهند کرد.

پس از مقدمه ها و تقریظ ها، ملکزاد آیینه یی را در برابر خودش می یابد و آن را اندیشه نام می گذارد و به این ترتیب از غزل "آیینهٔ اندیشه" شروع کرده و تا آخر قامت کتابش را از اشعاری فرا می رویاند که در قوالب گوناگون اجازهٔ حضور یافته اند:

ای عشق پیکر سوز تو انگیزه ی الهام شعر
نور آفرین رخساره ات ظلمت زدای شام شعر
آیینهٔ اندیشه ها معنی طراز صورتند
در شیشه ی الفاظ اگر رقصد می گلفام شعر

در "دعای سبز علف" شما به چند نمونه از اشعار ملکزاد مواجه می شوید که در اوزان نیمایی سروده شده اند آخرین شعر نیمایی دفتر مذکور شعر بلندی است که "تشییع جنازهٔ اختر" نام گرفته است وملکزاد کوشیده است اوضاع سرزمینش را، در زمان جاریش به تصویر بکشد. تصویری که بند بند آن به گونه یی آمده است که برهنگی وعریانی بر پیکر شعر را می نمایاند:

آری! ستاره ها
آن جا برای سوختن آدمی پدید-
آورده اند تودهٔ آتش به هر قدم
خواهند تا به تجربه گیرند وحشیان
قتل فجیع خلق فلسطین بیدفاع
در دست جانیان تجاوز گر یهود

ملکزاد در جمع شاعران مقاومت که دوران جهاد را درپاکستان زیسته اند، شاعری است که در درونش نجوا می کند. من او را شاعری درون گرا یافته ام و یک نگرش به مجموعهٔ "دعای سبز علف" این نکته را به وضاحت روشن می سازد:

ز دل همواره یارب ناله خیزد
به جای اشک خون از دیده ریزد
همای بخت و پیروزی ندانم
چرا از شاعر غمگین گریزد؟
جایی دیگر در همین مجموعه:
سیه روی و گنهکارم خدایا!
به صد آفت گرفتار خدایا
مگر با این همه تقصیر و خجلت
تمنای کرم دارم خدایا

"دعای سبز علف" خود نمادی از نجوای شاعر است که در اندرون خویش با "جان خود می موید و زار زار می گرید:

ای خدا سوخت تن و جان مرا آتش درد
رحم کن نیست به جز حسرت و غم یاور دل
خسته تر از من رنجور نباشد، کرمی
ای که تنها کرم تست نوازشگر دل

ملکزاد شاعری است که در شعرهایش سیاسی می اندیشد. همانگونه که ویژگی شعر مقاومت شاعران افغانستان در دیار مهاجرت در پاکستان است. شعار زده گی، برهنه گویی و سیاست گرایی ازممیزات اشعارشان است، شعر ملکزاد نیز از این عارضه مبرا نیست، ولی با آنهم شعر ملکزاد زیبا، و روان است.

بحث در پیرامون چگونگی شعرهای این دفترچه مجال و فرصت بیشتری می طلبد ومن امیدوارم که زندگی مجال دهد روزی از دید یک منتقد به این مجموعه نگریسته شود.

بګتۍ څه ته وائي؟

بګتۍ د لنډیو په څیر د پښتو ژبي خوندور او اغیزناك شعر دي او د لنډۍ په څیرني ریښه هم ډیره پخوانۍ ده چي وروسته به پري رڼا واچوو.

بګتۍ د پښتو په ملي شعرونو کي یو خوندور له جوشه ډك څپاند شعر دي. بګتۍ همیشه په تیزۍ او چستۍ ویل کیږي دهغي تال او سر د اتڼ د نڅا د حرکاتو په شان تیزوالي، تېټ او هسك لري. کوم وخت چي پښتانه سندرغاړي د ساز مجلس ښه تود کړي او په غوږونو او اړونو کي ئي د جوش څپي راولاړي شي نو دغه وخت په بګتیو لاس پوري کوي او غواړي چي خپل جوش او مستي آخري برید ته ورسوي

د بګتیو د ویلو په وخت کي ویونکي او اوریدونکي ټول په مستیو او جوش راځي په غړو او پلوکي ئي خوځښت او حرکت پیدا کیږي.

بګتۍ د رغاونې له مخي دغزلو او چاربیتو په شان یو سر لري چي زیاتره ئي یو بیت وي او دواړه مسري ئي په یو قافیه وي ور پسي بندونه او کړۍ راځي. په زیاتو بګتیو کي د څلوریزي شعر په شان د هر بند دري لومړۍ مسرۍ په یو قافیه او څلورمه مسره ئي د مطلع په قافیه برابره راځي د هر بند په اخیر کي د سر بیت بیا تکراریږي مګر ټولي بګتۍ په یو وزن او تال نه وي بلکي جلا جلا وزنونه لري. بګتۍ زیاتي په لس څپیز سیلاب کي راځي.

د بګتیو یو مهم صفت دادي چي هر بیت ئي لکه د سیند د اوبو روان او بهاند تال او وزن لري او هره مسره ئي زیاتره نهه یا لس څپي راځي.

د بګتي ریښه موږ د سنسکریت او ویدي ژبي په ډیرو کلمو کي موندلي شو. په سنسکریت کي بکهت یا بهګت د زاهد، پرهیزګار او بهګتي د عبادت او لمونځ په مانا دي. ساز، سرود او سندري له لرغوني زماني څخه د عبادت او خداي لمانځني یو لاژمي جزو او هر عابد او پرهیزګار به هرو مرو دخداي د لمانځني سندري هم ویلي نو په دي وجهه موږ د پښتو د بګتۍ کلمه هم زړو سندروته وایو چي د خداي په ستاینه او لمانځنه کي ویل کیدي او د احترام او درناوي یو لاژمي جز ګڼل کیده د بګتیا کلمه په پښتو ادب کي د سندر غاړي په نامه موجوده ده او د بګتۍ ویونکي مانا ورکوي.

په هند کي دقوالۍ سندري چي د ستاینې او مدحي لپاره ویل کیږي د پښتو بګتیو په شان په تیزۍ او چستۍ ویل کیږي

زموږ وطن کي پنجشیري سندري هم د بګتیو په شان تیز او مست تال لري د بګتۍ په کلمه کي یوه بله ریښه هم ځان ښکاره کوي چي په مانا کي د دغي لومړۍ ریښي سره نژ د یوالي لري.

بګ په سنسکریت کي او بغه په اوستا کي د خداي په مانا دي. له دي ریښو څخه په هندي کي د بګوان (خداي) او اوستا کي د بغستان او حتي د بغلان. بغولان کلمي جوړي شوي دي چي د عبادت خانو یا د خداي د لمانځني او یادولو ځایونه وو

او دا هم د بګتي یوه بیلګه

داتوري سترګي را نه تیریږي
له حاله زما کله خبریږي
داتوري سترګي سره ئي لاشونه
په بام ولاړه کوي سیلونه
اوربل کي ایښي تازه ګلونه
مین به خنګه تري نه جاریږي
داتوري سترګي رانه تیریږي
له حاله زما کله خبریږي

به جز شعار نماند!

دکتر نصری حق شناس

خزان عمر رسید و دگر بهار نماند
به باغ سعی و عمل هیچ برگ وبار نماند
بنای عمر ثباتی به قدر (آه) نداشت
ز گرد قافله چیزی به جز غبار نماند
شکست بال وپرما به سنگ یأس و الم
غم زمانه فزون گشت و غمگسار نماند
به زادگاه دلیران شهره در تاریخ
هزار حیف یکی مرد نامدار نماند
زبس به کشور ما ریختند راکت وبمب
طراوتی به گل و سرو جویبار نماند
هزار وعده شنیدم زدوست لیک و دریغ
به عهد و قول خود آن شوخ استوار نماند
شدست کشور ما پایگاه کشور غیر
کنون زغیرت و مردی بجز شعار نماند
فسرد و خست وطن از هجوم استعمار
زبرق همت ما شعله و شرار نماند
زنند طبل سیادت همی به سایهٔ غیر
به میهن من و تو شاه و شهسوار نماند
زبس به پای عدو خم شدیم در خم دهر
دگر به هستی ما ارج و اعتبار نماند
حدیث وحدت ملی فسانه گشت و فسوس
دویار همدل و همدم درین دیار نماند
اسیر دالر و کلدار گشته خرد و بزرگ
به ملک و مردم ما عزت و وقار نماند
بهرسو وانگری رشوه است و دزدی و چور
حذر ز عامل و ترسی زکردگار نماند
زمردمی و مروت دگر نشانی نیست
حیا و شرم به ابنای روزگار نماند
در آن محیط که دل بود و دلنوازی ها
فغان که اهل دلی بهر یادگار نماند
بهر کجا که رسی ساز نخوت است و غرور
به عهد ما سخن از عجز و انکسار نماند
به خواب ناز فرورفته است خانه خدای
امیر و شحنه و مسؤول کاروبار نماند
مدار نظم بود خودسری و خیره سری
زعدل وداد سخن جز به اختصار نماند
کنون عوض شده معیار ها و باور ها
بساط رونق پارینه و پیرار نماند
برای خاطر ارباب و کسب ثروت و پول
زهیچ بدعت و بیراهه ننگ و عار نماند
گذشت عمر به غربت خدای من تاکی؟
ترحمی که دگر قدرت و قرار نماند
به آه و نالهٔ (نصری) عنایتی یارب
که در فراق وطن تاب انتظار نماند

بودجهٔ انکشافی سال ۱۳۸۴ به تصویب رسید

بودجهٔ انکشافی سال ۱۳۸۴ به تاریخ ۱۳ حمل ۱۳۸۴ در اجلاس شورای وزیران به تصویب رسید.

مجموع مصارف بودجهٔ سال ۱۳۸۴، ۴۷۵۲،۵ میلیون دلار امریکایی تخمین گردیده است. از مجموع مصارف مبلغ ۶۷۸ میلیون دلار امریکایی بودجهٔ عادی است که به تاریخ ۲۵ حوت سال ۱۳۸۴ تصویب گردید و مبلغ ۴۰۷۴،۵ میلیون دلار دیگر بودجهٔ انکشافی می باشد.

قرار است از مجموع مصارف انکشافی، مبلغ ۹۳۶،۱ میلیون دلار از طریق دولت به مصرف برسد و مبلغ ۳۱۳۸،۴ میلیون دلار مستقیماً از طریق تمویل کنندگان به مؤسسات تطبیق کننده پرداخته می شود. عده یی از تمویل کنندگان به شمول بانک جهانی، بانک انکشاف آسیایی، ایالات متحدهٔ امریکا و کشورهای دنمارک ونیدرلاند از طریق ریاست خزاین، قرضه و کمک های بلاعوض شان را برای پروژه های مشخص ارائه می دارند، نمی توان از این وجوه جهت تخصیص دهی برای بودجه در اختیار دولت استفاده نمود.

وزیر مالیه در یک کنفرانس مطبوعاتی ضمن توضیح بودجهٔ انکشافی ۱۳۸۴ گفت:

بودجهٔ انکشافی خارجی شامل پروژه های انکشافی می باشد، که مستقیماً توسط کشورهای تمویل کننده از طریق مراجع غیر دولتی تمویل و تطبیق می گردد. پول چنین کمک ها از طریق ریاست خزاین وزارت مالیه اجرا نمی گردد. باید اذعان کرد که مصارف انکشافی کنونی، بودجهٔ موقت می باشد، بودجهٔ نهایی که شامل کمک های جدید خواهد بود، تا ماه جوزای ۱۳۸۴ تصویب و اعلام خواهد شد.

وی گفت:

عمده ترین برنامه های انکشافی دارای اولویت سرک، مخابرات، هوانوردی، آبیاری ودیگر پروژه های زیر بنایی می باشد. در مجموع بیش از ۷۱۰ میلیون دلار به پروژه های زیربنایی برای سال ۱۳۸۴ تخصیص داده شده است. همچنان دولت بودجهٔ بلندی را برای مصارفات اجتماعی تخصیص داده است که بیش از ۲۴۷ میلیون دلار را به همبستگی ملی، پروگرام عاجل کاریابی ملی، صحت وانکشاف مهارت ها به مصرف خواهد رساند.

گزارشی از خبرنگار هفته نامهء مجاهد

کابل جدید و مشکل مردم بی سرپناه

از به وجود آمدن نظام جدید در کشور بیش از سه سال سپری شد. پس از یک جنگ طولانی در یک کشور جنگ زده و با چنین ابعاد گسترده از ویرانی ها بدون تردید باید تدارک سرپناه از اولویت های دولت برای کسانی می بود که به کشور باز می گشتند. اما بخش اعظم سه سال گذشته را، مردم شاهد کشمکش میان شهرداری و وزارت شهر سازی بودند که هریک تلاش داشتند وظیفهٔ تأمین سرپناه برای مردم در کابل را به خود اختصاص دهند اما در نهایت هردو از این کار باز ماندند.

شهرداری به علت فساد حاکم برآن مبدل به مرجعی برای مافیای بلند منزل گردید. در حالی که زورمندان ثروتمند که غالباً صاحب خانه و حتی خانه ها در مناطق دیگر شهر کابل بودند در منطقهٔ شیرپور صاحب زمین شدند، زمین هایی که سالها قبل سند ملکیت موقت آن به مردم داده شده بود، استملاک نگردید و بی سرپناهان همچنان بی سرپناه باقی ماندند.

در طول این مدت، ادارات مسؤول چون شهرداری و وزارت شهرسازی از طرح و تطبیق پروژه های اسکان در حدی که جواب گوی نیاز ها باشد ناتوان بودند و در نتیجه مردمی که از این بی توجهی به تنگ آمده بودند به سوی زمین های دولتی هجوم بردند و بازار زورآباد ها و خودسر آباد ها در چهارسمت کابل رونق گرفت.

از تپهٔ مرنجان گرفته تا کوه صافی، تپه های ریشخور و از اراضی کنار جادهٔ عمومی تا ارتفاعات کوتل خیرخانه و بسیاری از مناطق دیگر ملکیت دولت توسط مردم غصب شد و حتی زورمندان با غصب اراضی وسیع دولتی و سپس فروش آن، از نیاز های مردم و بی توجهی مقامات مسؤول دولتی سوء استفاده نمودند و دولت نظاره گر بی طرف تمام این جریانات باقی ماند.

این بی سروسامانی ها موجب گردید تا سکتور خصوصی برای ساختن پروژه های ساختمانی به میدان آید. شرکت ساختمانی یی بنام خاور، نخستین شرکت خصوصی بود که به این منظور به میان آمد و پروژه یی را به نام شهرک سبز در ولسوالی ده سبز کابل تهداب نهاد.

از آنجایی که تقاضا برای سرپناه زیاد بود و اکثریت مردم توان پرداخت قیمت بلند آپارتمان های شهرک سبز را نداشتند، این شرکت با خرید زمین از مردم و توزیع آن بالای مردم بی سرپناه، سعی کرد در کنار به دست آوردن مفاد، مشکل مردم را نیز جوابگو باشد. مردم از این کار استقبال کردند زیرا این طرح به دور از بوروکراسی و فساد اداری معمول در ادارات ذیربط

از تپهٔ مرنجان گرفته تا کوه صافی، تپه های ریشخور و از اراضی کنار جادهٔ عمومی تا ارتفاعات کوتل خیرخانه و بسیاری از مناطق دیگر ملکیت دولت توسط مردم غصب شد و حتی زورمندان با غصب اراضی وسیع دولتی و سپس فروش آن، از نیاز های مردم و بی توجهی مقامات مسؤول دولتی سوء استفاده نمودند و دولت نظاره گر بی طرف تمام این جریانات باقی ماند.

دولتی صورت می گرفت اما چندروز قبل وزارت شهرسازی اعلام نمود که قصد دارد در آینده زمین های منطقهٔ ده سبز را برای ساختن کابل جدید استملاک نماید و شرکت خاور جز در ساحهٔ دوصد و چند جریب زمین که از طرف دولت مجوز آن را برای ساختن شهرک سبز دریافت نموده است، در باقی ساحات حق توزیع زمین را ندارد و از مردم نیز خواست تا پول های خود را از این شرکت پس بگیرند.

هفته نامهٔ مجاهد، خبرنگاری به دفتر مرکزی این شرکت فرستاد تا نظر کسانی را که از طریق این شرکت، زمین گرفته اند جویا گردد. یکی از کسانی که پول قیمت زمین را تحویل نموده و برای تسلیم شدن زمین خود به شرکت مراجعه نموده بود ضمن این که این اعلام وزارت شهرسازی را که از طریق رسانه های گروهی به نشر رسیده بود بی ارزش خواند گفت که اگر ما به انتظار اقدام مراجع دولتی باقی بمانیم، نه تنها خود ما مالک سرپناه نخواهیم شد بلکه شاید این توفیق را حتی فرزندان ما هم به دست نیاورند. با توجه به بی کفایتی موجود که مقامات مسؤول در طول بیش از ده سال قادر به استملاک زمین های از قبل توزیع شده از جمله در قلعهٔ زمان خان نشده اند، ما اطمینان داریم که طرح و تطبیق کابل جدید در توان این ادارات نیست و ما نمی توانیم تا بیست یا سی سال دیگر به انتظار طرح های واهی آنان بمانیم.

یکی از مراجعین دیگر می گفت که من سه سال در شهرداری به امید گرفتن زمینی برای سرپناه سرگردان بودم و درخواست های متعدد تقدیم نمودم که همه بی نتیجه بود. سرانجام به این نتیجه رسیدم که به این شرکت مراجعه نمایم. من اطمینان دارم که تا دویا سه سال آینده این منطقه شاهد اسکان صدها هزار نفر خواهد بود. در آن صورت کدام دولت قادر است تا خانه های صد ها هزار نفر را ویران کند و مردم آن را آواره سازد؟ آنهم دولتی که باید با رأی مردم به روی کار آید و تعهد خدمت به مردم داشته و به حقوق بشر احترام بگذارد.

انجینیر خاوری یکی از انجنیران این شرکت به خبرنگار ما گفت که این شرکت در طرح پلان اسکان در این منطقه، تمام نیاز های مردم از قبیل جاده، فضای سبز، مکتب، کودکستان، مسجد، شفاخانه، کانالیزاسیون و سایر نیازمندی ها را مدنظر قرار داده و برای هرکدام نظر به جمعیتی که در آنجا ساکن خواهند شد، محلاتی را در نظر گرفته است. کسانی که در این منطقه از طریق ما صاحب زمین شده اند غالباً به اعمار خانه های خویش مطابق نقشه اقدام نموده اند.

آیا "جبههٔ تفاهم ملی" یک اپوزسیون ...

زیرا در صورت حضور در کابینه می بایست تا مجری آن برنامه ها وخط مشی باشند، بنا بر این و با در نظر داشت عدم ثبات در موضع گیری های گذشته و اقدامات عجولانه و شتابزدهٔ قبلی این سؤال ها مطرح می گردد:

۱- آیا پس از بی ثمر ماندن تلاش ها برای حضور در قدرت و حاکمیت، قرار گرفتن در اپوزسیون یک اجبار نیست؟ زیرا اپوزسیون واقعی باید یک "انتخاب" باشد و نه "اجبار"!

۲- آیا این جبهه پیام روشن وحرفی برای گفتن دارد و یا یک اپوزسیون سفارشی و فرمایشی است که برای جلوگیری از تبارز اپوزسیون واقعی به میدان آمده است؟ و آیا واقعاً به منظور جلوگیری از استبداد وخودکامگی و پاسداری ونظارت بر اجرای سالم و درست قانون و حراست از حقوق و آزادی های افراد و تشکل ها عرض وجود نموده است و یا خیر؟

۳- آیا اعلام حمایت دولت (در اعلامیهٔ دفتر مطبوعاتی ریاست جمهوری وبعد جلسهٔ فوق العادهٔ کابینه) از تشکیل جبههٔ تفاهم ملی دال بر سفارشی و فرمایشی بودن این جبهه است و یا می تواند آن را چنین وانمود و در نتیجه بی اعتبار سازد؟

۴- آیا جبههٔ مذکور یک اپوزسیون با برنامه و هدفمند خواهد بود و یا فقط یک ائتلاف انتخاباتی، زود گذر و مقطعی؟

۵- آیا افراد و تشکل های دیگری نیز به آن خواهد پیوست و یا افراد و تشکل های موجود از آن جدا خواهد شد؟ واساساً این جبهه تا انتخابات پارلمانی دوام وحضور خواهد داشت و یا از هم خواهد پاشید؟

این سؤال ها و ده ها سؤال دیگر را فقط گذشت زمان، روزها، هفته ها و ماه های آینده پاسخ خواهد گفت.

جبههٔ تفاهم ملی و ناسازگاری ...

که "تفاهم" مبین محافظهٔ کاری، آشتی جویی وتسلیم طلبی است.

- جبهه یک اصطلاح مناسب و نام آشنا و شایسته برای اپوزسیون واقعی، گسترده و فراگیر است وبیان کنندهٔ موضع قاطع، جدی ومتین ومظهر کوبندگی وخیزش و در مقابل کلمهٔ "تفاهم" نشان دهندهٔ انعطاف، سازش، نرمش و آمیزش است و زمینه ساز رفع اختلاف نظرهای سطحی و سلیقه یی که هرگز برای جبهه یی که ادعای اپوزسیون بودن را دارد، زیبنده ومناسب نیست!

نیاز به گفتن ندارد که تفاهم یک امر نیکو و پسندیده است و افراد، تشکل ها وجوامع همواره به وجود آن ضرورت دارند و تفاهم لازمهٔ ائتلاف های حاکم است وهمچنین یک امر ناگزیر برای ادامه وبقای ائتلاف های مخالف حکومت ها.

وهرگاه منظور تشکیل دهندگان "جبههٔ تفاهم ملی" تلاش برای ایجاد تفاهم ویکسویی درمیان مردم و یا افراد وتشکل ها باشد پس این تلاش وحتی هرنوع تفاهم نیازی به ایجاد جبهه ندارد وهرگاه منظور و یا تعبیر آنان از این نام "جبههٔ تفاهم ملی" تشکیل یک جبهه در برابر دولت و ایجاد تفاهم درمیان خودشان باشد پس چگونه قبل از رسیدن به یک تفاهم، چنین تشکلی ایجاد گردیده است؟ وهرگاه منظور وتعبیر شان از تفاهم ملی ایجاد تفاهم میان مردم باشد، پس جمع این دو "جبهه وتفاهم" معنی اپوزسیون را نمی رساند. وهرگاه قصد بر آن باشد تا پس از تفاهم با مردم و یا مجموعه هایی از آنان، جبهه یی به عنوان اپوزسیون متشکل از تشکل ها وشخصیت ها تشکیل گردد؛ پس بهتر بود تا نام دیگری را بر می گزیدند مانند مجمع تلاش یا کار برای ایجاد تفاهم ملی وتشکیل جبههٔ مشترک یا اپوزسیون...

فعالیت انجوها ارزیابی می گردد

حامد کرزی کمیته یی را موظف ساخت تا پالیسی دولت در قبال انجوها را مورد ارزیابی قرار دهد

این در حالی است که به تاریخ ۸ حمل ۱۳۸۴ قانون انجوها در شورای وزیران مورد بحث قرار گرفت. تعدادی از نمایندگان کشورهای مساعدت کننده و سازمان ها در مورد مادهٔ ۸ این قانون که انجوها نمی توانند در پروژه هایی که از طرف دولت تمویل می گردد داو طلبی نمایند، نگرانی شان را ابراز نموده بودند. آقای حامد کرزی با تعدادی از نمایندگان کشورها و سازمان ها ملاقات نموده گفت: این مادهٔ قانون نمایانگر نگرانی عمیق دولت و مردم افغانستان در مورد اختلاس وسوء استفاده از کمک های خارجی توسط انجوهاست.

رئیس جمهور کشور کار تعدادی از انجوها را که با هدف بشری برای بازسازی افغانستان خدمت می کنند ستایش نمود و در مورد برخی از انجوها که از این کمک ها سوء استفاده نموده و آن را حیف و میل کرده اند ابراز نگرانی کرد.

قبل بر این آقای رمضان بشر دوست وزیر پیشین پلان طرح انحلال تعدادی از انجوها را اعلام کرده بود که با استعفایش ناعملی ماند.

اندرزهایی برای خوشبختی زن و شوهر

نویسنده: دکتر مصطفی ابوسعد
برگرداننده: عبدالله فرزاد

اشاره: در شمارهٔ گذشته به پاره یی از مسؤولیت های زن در راه رسیدن به خوشبختی زنا شویی اشارت رفت و در این شماره بحث نا تمام قبلی را تکمیل خواهیم کرد.

پنجم: گفتمان سوء

بحث سالم و گفتمان درست، پل پیوند ورشتهٔ ارتباط بین زن و شوهر است، و هرگاه این پل و رشته از هم گسیسته شود، بزرگ ترین خلل ایجاد می گردد که اصلاح آن دشوار خواهد بود.

ملامت کردن و اتهام بستن زن و شوهر علیه یکدیگر، زمینه های رکود نظام خانواده را فراهم می کند و سر انجام این امر، باعث می شود که زبان گفتگوی سالم درمیان زن و شوهر، از بین برود، و زندگی به سوی نکبت و تیرگی بشتابد. هر قدر که گفتمان زن و شوهر آرام و پیوسته باشد به همان اندازه ارتباط و محبت ایشان افزایش می یابد، بنا بر این بر زن مسلمان لازم است که زبان گفتگو و چگونه بحث کردن با همسر خود را بداند و در نتیجهٔ این فهم، صمیمیت و دوستی درمیان خانواده دامن بگستراند.

زنی که طرفدار ایجاد چنین فضایی در خانواده است، بایستی در برابر شوهرش ادب سخن گفتن را رعایت کند، به سخنان او گوش جان فرا دهد و زمانی وی حرف می زند، حرفش را قطع ننماید و آنگاه که خودش می خواهد با شوهر چیزی بگوید، باید واژه های مناسب را انتخاب کند و با روشی نرم ولطف آمیز با او سخن بزند؛ چه بلند کردن آواز و رو کردن به غضب روح صمیمیت و گفتمان خوب را می کشد.

ششم: خواسته های بلند مادی از شوهر

رسیدن به دارایی هنگفت و دست یافتن به وسایل مدرن زندگی و متاع دنیا، از خواسته های بلند انسان امروز است. با تأسف فراوان که امروزه بسیاری از زن ها برای فراچنگ کردن مادیات و به دست آوردن زیورات و... می اندیشند و این آروزهای بلند بالای مادی آنان، همواره باعث نا راحتی، فشار و آزردگی شوهر می گردد، و بدین ترتیب ناتوانی مرد، در راه بر آوردن آرزوها و خواسته های بی پایان زن، زندگی زنا شویی را به دوزخ سوزان مبدل می سازد.

اما زن مسلمان، به قسمت الهی راضی می باشد، و غنامندی خود را در غنای نفس می داند و باور می کند که رضا و قناعت به آنچه در اختیار دارد گنج گرانبهایی است که خداوند آن را جز برای دوستان و بندگان مخلص خود نمی دهد، پس ای زن مسلمان! بر تو است که در کنار شوهرت به عنوان بزرگ ترین همکار و غم خوار ایستاده شوی و از هر چیزی که او را در حرج می اندازد بپرهیزی و فرمایش پیامبر را چراغ راه زندگی خود قرار دهی که می فرماید: به پائین تر از خود ببینید، نه بر کسانی که از شما بالاترند؛ و این تنها راه برای تحقیر نکردن نعمت الهی است." و به خاطر بیاور که رسول خدا و زنان پاک دامن وی چگونه می زیستند.

هفتم: حق ناشناسی در برابر شوهر

تشکر از خوبی ها و یاد آوری از کارهای نیک، نشانهٔ مروت و جوان مردی است و برعکس انکار از خوبی ها و قدر نکردن مهربانی ها، بیانگر نا جوان مردی و خساست و از همین رو است که اسلام قدرناشناسی و کفران نعمت را نکوهش کرده و مسلمانان را به نیکی در برابر نیکی توصیه کرده است، چنان که خداوند متعال می فرماید: "آیا پاداش نیکی جز نیکی است؟" وهمچنان می فرماید: "درمیان تان فضل را فراموش نکنید" رسول اکرم صلی الله علیه و سلم نیز می گوید: "کسی که شکر مردم را نمی گوید، در واقع شکر الهی را نگفته است". حضرت زینب رضی الله عنها نیز می گوید که پیامبر خدا صلی الله علیه و سلم برای ما خطابه یی ایراد کرد و فرمود: "دوزخ را دیدم که بیشترینه اهل آن زنان بودند، گفتند: چرا؟ پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم، گفت: به خاطر کفرشان، گفتند: آیا به خدا کفر می ورزند؟ گفت: نه به نزدیکان کفر می ورزند و در برابر نیکی نا سپاسی می کنند، اگر به یکی از آنان در تمام عمر نیکی کنی اما اگر گاهی از تو چیزی ببینند، می گوید: هرگز خیرت را ندیدم."

هشتم: بی توجهی به نیازهای غریزی

نیاز شوهر به اشباع غریزهٔ انسانی، یک امر طبیعی است و برای او آرامش روانی می بخشد، بنا بر این زن خردمند ارزش این نیازمندی طبیعی را باید دست کم نگیرد و آن را امر دومی حساب نکند، پژوهش های جدید نشان می دهد که ۹۰٪ از وقایع طلاق به علت مشکلات جنسی و ناکامی های زنا شویی رخ می دهد. از این رو بر زن مسلمان لازم است که بداند چه چیزی رضای شوهرش را جلب می کند و زمینهٔ صیانت عفت او را فراهم می نماید. تا بدین ترتیب از مشکلات و اتهامات بی موردی که از این ناحیه به شوهر رخ می دهد، جلوگیری به عمل آمده باشد.

در گیری در عربستان سعودی

بزرگ ترین در گیری میان قوای امنیتی عربستان سعودی و شورشیان آن کشور به روز دوشنبه در منطقهٔ الرأس در ولایت قسیم رخ داد و به مدت دو روز ادامه پیدا کرد.

مقام های عربستان سعودی می گویند: در این درگیریها که از سلاح سبک و سنگین کار گرفته شده بود، هفت نفر که گمان می رود از پیکار جویان اسلامگرا باشد کشته و بیش از ۵۰ تن از ماموران امنیتی نیز زخمی شدند . در میان کشته شدگان جسد دو پیکار جوی که نام های شان در سر فهرست ماموران امنیتی آن کشور قرار داشت، نیز شامل است. از سال ۲۰۰۳ پیکار جویان اسلامی چندین بار با نیروهای امنیتی درگیر شده اند و به چندین حملات انتحاری دست زده اند .این حملات معمولا کارگران و کارمندان خارجی مقیم عربستان را هدف قرار داده است و به گروه های وابسته به القاعده نسبت داده شده.

استرلیا چمتونه دي چي افغانستان ته عسکر واستوي

د آزادي راديو په وينا استرليايي مقاماتو د ناټو د غړيو هيوادو د سر منشي دي هوپ شيفر سره د کتني پرمهال ويلي دي چي زمونږ هيواد د ناټو د غړيو هيوادونو د سرمنشي سره به دي خبره موافقه لري چي د کوکنارو کرکيله په افغانستان کي په بوه ترپوالـه ستونزه بدله شوي. خو له نوموړي سره په دې موافقه نلري چي افغانستان ته خپل سرتيري وليږي او موږ دغه وړانديز نه منو.

دیادوني وړ ده چي استرليا په افغانستان کي دنړيوال پوخ په ليکو کي يو سلو پنځوس تنه سرتيري درلودل خو دهغو له حملي څخه اوس يو تن پاتي دي.

برنامه های انکشافی باید...

پروژه های انکشافی در ولایت بدخشان توضیحات داده گفت این پروژه ها برای مدت چهار سال دوام خواهد یافت. وی در مورد این پروژه ها خواهان مشورهٔ استاد گردید.

استاد ضمن بررسی این پروژه ها گفت: این اداره در زمینهٔ ایجاد شبکهٔ برق، اعمار سرک وهمچنان در بخش رراعت و مالداری و رشد صنایع دستی مساعدت هایی را باید انجام دهد تا زمینهٔ کار یابی و بهبود زندگی مردمان این ولایت فراهم گردد.

دکانونو لوټماران باید ...

او يا هم تر خاوري لاندي منقول او غير منقول تاريخي ـ فرهنګي اثاروي او يا هم د هيواد په شمال کي د ټيلو خاګاني دا تول چي د اساسي قانون په حواله د ملت مال دي بايد دولت ئي نيغ په نيغه په خپل لاس کي ونيسي. د دغو موادو دغلو او قاچاق وړونکو لپاره د سزا قانون راوباسي او هر هغه څوک چي په دغه راز ملي خيانت لاس پوري کوي بايد لازمه جزا ورکړي شي.

موږ وينو چي په تيرو دوه نيمو لسيزو کي كه له يوي خوا دوامداره بهرني او کورني جګړي زموږ هيواد په کنډواله بدل کړ نو په څنګ کي ئي سيمه ييزو قوماندانانو بيا د نورو ملي او شخصي شتمنيو د لوټ تالا ترڅنګ زموږ د لاجوردو، زمردو، ياقوتو، بيرايتو کانونه او د تيلو څاګاني ولوټلي او بهرنيو هيوادونه ئي يووړي چي اوس ئي بايد د مخنيوي او خونديتوب لاري چاري وسنجول شي او له دي وروسته له لوټ تالا څخه وساتل شي.

سفیر روسیه با استاد ...

پارلمانی افغانستان در فضای آرام و مطمئن برگزار گردد و این کشور صاحب شورای ملی گردد.

استاد از نظریات نیک سفیر روسیه تشکر نمود و گفت: آرزو دارم که انتخابات پارلمانی به گونهٔ شفاف و در تاریخ معین برگزار گردد، و یقیناً همکاری کشورهای دوست و جامعهٔ جهانی در تدویر درست و به موقع انتخابات تعیین کننده خواهد بود.

ګاردين
د امنيتي ځواکونو او غلو ترمنځ توپير ګران دي

ترپورتني سرليک لاندي د ګاردين برتانوي ورځپاني ليکوال د يکلان والچ يو مطلب خپور کړي چي خيني غټ تکي ئي وړاندي کوو.

ګاردين ليکي په افغانستان کي ناوړه امنيتي حالت داسي يوه حالت ته رسيدلي دي چي آن د امنيتي ځواکونو او غلو ترمنځ توپير ګران دي.

ليکوال افغانستان ته د امريکا دولس مشر د ميرمني لورا بوش سفرته په اشاري سره وائي: دغه سفر د امريکا لخوا د افغانستان د امنيتي حالاتو په هکله د امنيت د رامنځته کيدو د داد د ترلاسه کيدو يوه نښه ده.

بلخوا د افغانستان پوځي سرچيني ادعا کوي د طالبانو فعاليت لږ شوي دي چي دا کار د بيارغوني له هڅو سره ډيره مرسته کوي. خو عادي افغانان د جنايتونو د څپو د ورځ په ورځ زياتيدو له امله په انديښنه کي دي وسلوالو غلاو، تښتونو، وژنو او دخلکو خورونو پراختيا موندلي ده.

دغلو او جنايتکارانو او د پوليسو ترمنځ د توپير کرښه وار په وار کميږي سره له دي چي رسمي احصائي نه دي موجودي خو دير داسي انګيري چي حالات مخ په خرابيدو دي. لږ معاش، د پوليسو نامه روزنه او فاسد چارواکي د نا امنيو عاملين شميرل کيږي.

د ګاردين په وينا د پوليسو 38000 کسيز ځواک ددغه هيواد د پوځ په پرتله چي امريکانيانو روزلي يوه ناکامه هڅه ده.

ديکلان والچ دخپل مطلب په پاي کي ليکي چي علي احمد جلالي دلويديځ د فشارونو له امله دي ته اړايستل شو چي د پوليسو د اصلاحاتو اعلان وکړي خو ليکوال په دي آند دي چي د دغو ستونزو اصلي لاملونه د حکومت په لوړو چوکيو کي دي.

دیادوني وړ ده که حکومت او اړونده چارواکي په ټولني کي د اخلاقي فساد مخه ونه نيسي او د اسلامي تهذيب او فرهنګ د رعايتولو او سالمي روزني په اړوند کامونه پورته نه کړي نو هيواد به له ترورېزم څخه پرته له يوي بلي بلاسره لاس او ګريوان شي او د جناياتو ګراف به لاپسي اوچت شي

آزادی ضامن ترقی و خوشبختی

هاشمی نژاد

> **پس از سقوط طالبان و ایجاد تحولات جدید در افغانستان، امید بر آن بود که آزادی در همه عرصه ها به ویژه آزادی بیان و مطبوعات در کشور ایجاد می شود و آرام آرام نهادینه می گردد، ولی چنان که لازم بود و انتظار برده می شد، گام هایی ارزنده در این راه برداشته نشد و فقط در چهارچوب آزادی، فساد اخلاقی به وجود آمد و زمینه های رشد فرهنگ هرزگی و بی مبالاتی درمیان نسل جوان فراهم گردید**

آفریدگار هستی، همهٔ انسان ها را آزاد آفریده، و آنان را از مواهب آزادی بهره مند گردانیده است؛ و از یمن همین عطیهٔ بزرگ الهی است که ملت ها ارزش می یابند و افراد آن اعتلای انسانی پیدا می کنند. ملتی که حق آزادی را محترم می شمارد و آن را از اساسی ترین حقوق فطری و انسانی خویش می داند، بی تردید دفاع از آزادی را در صدر برنامهٔ زندگی خویش قرار می دهد و برای رسیدن به آن و صیانت از آن، از هیچ چیزی دریغ نمی ورزد.

ملتی که آزادی نداشته باشد، در واقع هیچ افتخار و شرفی ندارد. ملتی که از نعمت آزادی بی بهره باشد، و آن را بی هیچ دریغ و افسوسی ببازد، حق باخته ترین ملتی است که همهٔ ارزش های خویش را از دست داده و خودش را مستوجب ننگین ترین سر افگندگی ها ساخته است.

آزادی والاترین هدف ومتعالی ترین آرمان آزاد مردانی است که زندگی را وهمهٔ بودن و ماندن را تنها به خاطر آزادی دوست می دارند، وگاهی برای به دست اوردن ان. همه زندگی و هستی شان را با گشاده دستی نثار می کنند ونهال آزادی را با ریختن خون های خویش آبیاری می نمایند.

راستی اگر آزادی نباشد زندگی کردن و بودن و ماندن چه ارزشی خواهد داشت، وملت ها برای افتخار ها و سرفرازی های شان چه بهانه یی پیدا خواهند کرد؟

درست، اگر آزادی را از یک ملت با فرهنگ و بیدار سلب کنند و به جای آن، همهٔ مواهب را بر او بخشند، هرگز خلای آزادی را جبران نخواهد کرد. و این سودایی خواهد بود که سودش سوگواری است!

اما آزادی راستین زیبندهٔ ملتی است که از رشد فکری و فرهنگی، و از بینش سیاسی و اجتماعی برخوردار باشد و روش های منطقی بهره گیری از آزادی را بداند، و اطاعت از قوانین کشوری و اجتماعی را در دستور کار و برنامهٔ زندگی خویش قرار دهد و مواهب آزادی را با بی بند و باری وعنان گسیختگی ها اشتباه نکند.

آزادی به این معنی نیست که هر انسان بدون توجه به مقررات اجتماعی. موازین اخلاقی و آموزه های دینی و فرهنگی، خویشتن را مطلق العنان بداند و تمام کردار و رفتارش مبتنی برلا ابالی گری باشد و جامعه را به سوی هرج و مرج و بی ثباتی هدایت کند. استفاده از مواهب آزادی تا حدی مقبول است که مخلّ آسایش دیگران نباشد و بر حقوق انسانی و اجتماعی سایر افراد جامعه لطمه یی وارد نسازد، باورهای دینی وتقالید پسندیدهٔ فرهنگی یک کشور را جریحه دار نکند و سر انجام، جامعه را به فساد و تباهی نکشاند.

بنا بر این، آزادی سزاوار وشایستهٔ ملتی است که فرهنگ بهره گیری معقول و منطقی از آن را داشته باشند و به اثر رشد فکری و آگاهی های اجتماعی، از همین نعمت بهره مند باشند.

با هزار درد و دریغ که در کشورما، یا به طور کلی آزادی وجود نداشته است و یا اگر وجود داشته به علت نبود فرهنگ مترقی، از آن استفادهٔ درست به عمل نیامده و در مسیر غیر منافع ملی و اسلامی کشور به جریان گذاشته شده است، و از همین رو است که این کشور، پیوسته دچار هرج ومرج و دست خوش رکود و انحطاط بوده و زمینه یی فراهم نشده است تا فرهنگیان و قلم به دستان مصلح و منتقد لب به اعتراض بگشایند، از کارکردهای نا سالم دولت مردان انتقاد کنند و برای بهبود اوضاع پیشنهاد نمایند؛ همین فضای تنگ و وضع قیود بر آزادی بیان و مطبوعات، یکی از عوامل بسیار مهم رشد استبداد و پا گرفتن نظام های خودکامه و ضد مردمی بوده است.

پس از سقوط طالبان و ایجاد تحولات جدید در افغانستان، امید بر آن بود که آزادی در همه عرصه ها به ویژه آزادی بیان و مطبوعات در کشور ایجاد می شود و آرام آرام نهادینه می گردد، ولی چنان که لازم بود و انتظار برده می شد، گام هایی ارزنده در این راه برداشته نشد و فقط در چهارچوب آزادی، فساد اخلاقی به وجود آمد و زمینه های رشد فرهنگ هرزگی و بی مبالاتی درمیان نسل جوان فراهم گردید. و اکنون یک سیاست فرهنگی معقول که از شیوع بداخلاقی وهویت ستیزی جلوگیری کند و زمینه های آزادی در همه زمینه ها مخصوصاً در زمینهٔ بیان را فراهم کند در دستور کار، کارگزاران وزارت اطلاعات و فرهنگ وجود ندارد.

بنا بر این اگر وضع به همین منوال ادامه یابد وهرکس که دردی ومشکلی را مطرح کند. به نام ها و عناوین مختلف مورد تهدید و محدودیت قرار بگیرد، ما نباید انتظار پیشرفت و شگوفایی کشور را داشته باشیم.

پاپ ژان پال دوم جهان...

مردم پولیند به ادای مراسم مذهبی پرداخت که هنوز کمونیست ها بر مسند قدرت بودند.

در جهانی که شعله های جنگ های منطقه یی هستی میلیونها انسان را به باد فنا می داد او از صلح و آشتی سخن می گفت اما در مدت بیست و نه سال عمر وی در این مقام، او شاهد جنگ های خونین در سراسر کشور های جهان از آسیا تا افریقا و اروپا بود. دعای وی برای صلح در جهان مستجاب نشد. او خواستار صلح در عراق بود اما زمانی که در شفاخانه یی در روم آخرین نفس های عمر خویش را می کشید، در عراق جنگ و کشتار همچنان بیداد می کرد.

پاپ به لزوم اعتقاد به خدا و دین به خصوص در میان کودکان و جوانان تأکید داشت و از این که در جهان غرب، بنیاد های خانواده سست و بی بنیاد است رنج می برد. او ریشهٔ بسیاری از بیماری های اجتماعی در غرب را ناشی از دور شدن از باور ها و اعتقادات دینی می دانست. تلاش های او در جهت تعمیق ریشه های ایمان به خدا در نسل جوان را از آنجا می توان دریافت که در روزهای بیماری وی، به روی پردهٔ تلویزیون ها چهرهٔ هزاران جوان را می دیدیم که در میدان سن پیتر در روم گرد آمده بودند تا با چشمانی اشکبار، برای بهبود وی از بیماری دعا کنند.

پاپ ژان پال دوم از داعیان ثابت قدم تفاهم و همزیستی میان پیروان مذاهب مختلف در جهان بود. او نشست های بسیاری را میان علمای مسلمان و کاتولیک سازمان داد تا رشته های این تفاهم تقویت گردد. در واقعهٔ یازدهم سپتامبر که صهیونیست ها با تبلیغات شدید می خواستند این حادثه را رویارویی میان اسلام و مسیحیت قلمداد نمایند، پاپ مسیحیان را به خویشتن داری فرا خواند و گفت که هیچ دینی به پیروان خود کشتن بی گناهان را توصیه نمی کند.

در شرایطی که تلاش در جهت صلح در جهان ما همچنان به عنوان یک اولویت تاخیر ناپذیر مطرح است، با مرگ ژان پال دوم، دنیای پرآشوب ما یکی از داعیان راه صلح و مسالمت را از دست داد.

کنفرانس بین المللی ...

دکتر عبدالله وزیر خارجه، دکتر امین فرهنگ وزیر اقتصاد و انوار الحق احدی وزیر مالیه در مورد ضرورت برگزاری کنفرانس، ایجاد زمینه برای تبادل افکار و ارزیابی برنامه های انکشافی که طی سه سال گذشته اجرا شده است، همچنان بودجهٔ عادی و انکشافی دولت بحث نمودند.

در این کنفرانس وزرای خارجهٔ چین و تاجیکستان سخنرانی نموده و آمادگی شان را در مورد ادامهٔ مساعدت به بازسازی افغانستان وعده دادند.

آقای خلیل زاد سفیر ایالات متحدهٔ امریکا و نمایندهٔ خاص جورج بوش در افغانستان نیز در مورد افزایش کمک های امریکا به افغانستان سخنرانی نمود و گفت: کمک امریکا به افغانستان در سال جاری دوچند خواهد شد.

در این کنفرانس معاون بانک جهانی وتعدادی از نمایندگان کشورها وسازمان ها روی برنامه های انکشافی افغانستان وسهم کشورهای شان صحبت کردند.

دومین روز کنفرانس در پشت درهای بسته ادامه یافت و به ژورنالیستان اجازهٔ ورود داده نشد. در سومین روز کنفرانس انتظار برده می شود که نتایج مشخص بحث و گفتگو ها واضح گردد.

جلسهٔ محاکمهٔ هشت تن کارمندان ...

سید احمد جمال مبارز معین مساجد و تکایای وزارت حج و اوقاف را به صورت جداگانه قرائت نمود و آنان را به اختلاس،رشوه ، سوء استفاده از صلاحیت و ظیفه یی و عدم گزارش دهی درست وبه موقع از جریان مراسم حج حجاج افغانی متهم کرد.

متهمان همچنان بعد از استماع صورت دعوا توسط سارنوال دفاعیه های شان را یکی پی دیگر قرائت نموده و خود را در پرابلم های به وجود آمده در مراسم حج برای حجاج افغانی بری الذمه خواندند.چیزی که در اظهارات همه متهمان مشترک بود واگذاری قصور تخلفات به عهدهٔ یکدیگر و در مجموع مقصر دانستن وزیر قبلی آن وزارت بود.

به گفتهٔ متهمان محمدامین ناصر یار وزیر قبلی وزارت حج و اوقاف مسؤول تمام قرار دادهایی می باشد که با شرکت ها انجام شده بود و موصوف هیچ کس را حق دخالت در این زمینه نمی داد.

آنان در دفاعیه های شان ازسوء استفاده توسط ناصریار یاد آوری نموده و در رابطه به مسؤولیت های و ظیفه یی خویش ، خود را تابع اوامر آمران خود می خواندند.جریان محاکمه با جر و بحث ها میان سارنوال موظف و رئیس محکمه با متهمان حاضر در جلسه حتی در بعضی حالات به جدیت بیشتر می گرایید.

از جملهٔ کارمندان وزارت حج و اوقاف که متهم و ذیدخل در این قضیه شناخته شده اند یکی هم مولوی عطاء الرحمن سلیم معین مسلکی وزارت حج و اوقاف بود که نسبت کمبود وقت، محاکمهٔ وی و همچنان فیصله محکمهٔ سایر متهمان به چهارشنبه مو کول شد.

محمد نعیم داوری سارنوال مو ظف گفت: اظهارات متهمان و تحقیقات ، نشان می دهد که چد تن دیگر به شمول وزیر پیشین حج و اوقاف نیز در قضیه شامل بوده اما به نسبت مریضی امین ناصر یارو زیر قبلی آن وزارت و اجازه ندادن دکتران به استنطاق وی این امر به آینده معطل گردیده است. همچنان بنا به گفتهٔ وی چهار تن از مسؤولان وزارت ترانسپورت نیز در این رابطه متهم بوده و به محاکمه کشانده می شوند.

هفته نامهٔ

مجاهد

وانان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت
می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

• مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
• مطالب آمده مسترد نمی گردد .
• آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم | سال چهارم | شمارهٔ ۳ | چهارشنبه ۱۷ حمل ۱۳۸۴ | ۲۶ صفر المظفر ۱۴۲۶ - 6 April 2005

پاپ ژان پال دوم جهان را وداع گفت

ابوبکر سبزوار

در این هفته، جهان در سوگ مردی بزرگ فرو نشست. پاپ ژان پال دوم رهبر کاتولیک های جهان چشم از جهان پوشید.

او مدت بیست و نه سال رهبر کاتولیک های جهان بود. این منصب در جهان از حساسیت خاصی برخوردار است به این معنی که شخصی بر بیش از یک ملیارد پیرو در سراسر گیتی سیادت مذهبی دارد اما این سیادت باید از سیاست جدا باشد. وقتی باور این باشد که سیاست و دین دو مقوله یی از هم مجزا اند، حتی دست به دعا برداشتن و نیایشی با خدای خویش داشتن نیز می تواند تعبیری سیاسی داشته باشد.

در جهانی که سیاست بخش تفکیک ناپذیر از زندگی انسان عصر ماست، چگونه می توان به عنوان یک رهبر مذهب کاتولیک، دین را از سیاست جدا ساخت و در عین حال با سیاست های غیر انسانی که دین با آن مخالف است به مخالفت برخاست؟ مگر نه این است که در چنین سیاست گزاری ها سیاست مداران دخیل اند؟ چگونه می توان در چنین شرایطی به دور از تمایلات سیاسی کار کرد؟ اما پاپ ژان پال دوم در این کار توفیق یافت. او مدت بیست و نه سال با مهارت کامل سیاست را با مذهب چنان تلفیق کرد که مخالفت سیاسی وی بیشتر مذهبی می نمود در حالی که تأثیرات سیاسی این موضعگیری های ظاهراً مذهبی نیز غیر قابل اجتناب بود.

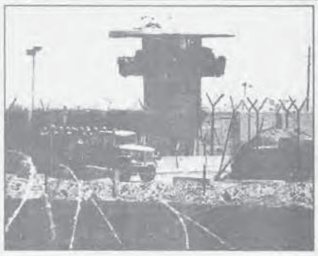
پاپ با اصلیت پولندی خویش با نظام کمونیستی ناسازگار بود او برای پیروزی مجاهدین افغانستان و پیروزی کارگران کشتی سازی بندر گدانسک در پولند دعا می کرد. حرکتی که بعد ها تحت نام نهضت همستگی تحت رهبری الخ والنسا) به نهضت آزادیبخش پولیند مبدل شد.

یک دعا یا شرکت در یک مراسم مذهبی ظاهراً رابطه یی با سیاست ندارد اما دعای وی به این معنی بود که باید همه کاتولیک های جهان این دعا را با جانبداری خویش از یک قیام یا مبارزهٔ برحق تقویت نمایند. به همین دلیل رهبران اتحادشوروی سابق پاپ را دشمن می دانستند. دعا های پاپ ژان پال دوم در آزادی اروپای شرقی از چنگ اتحاد شوروی سابق نقش بسیار مثبت بازی کرد. او در زمانی در جمع

ص۷



زندان ابوغریب هدف حملهٔ مبارزان عراقی قرار گرفت



نا آرامی ها کماکان در سراسرعراق ادامه دارد. مبارزان در اوایل این هفته به زندان بدنام ابوغریب در حومهٔ بغداد حمله نمودند.

ارتش امریکا اعلام کرد که این حمله پس از تاریکی شب با انفجار دو موتر بمب گذاری شده آغاز شد و با شلیک سلاح های سبک و پرتاپ موشک ادامه یافت. بر اساس گزارش ها در نتیجهٔ این حملات چهار سرباز امریکایی و ۱۲ زندانی مجروح شدند.

این زندان سال گذشته در کانون اخبار و رسوایی های مربوط بد رفتاری زندانبانان امریکایی با زندانیان عراقی قرار گرفت. بیش از سه هزار عراقی در اینجا زندانی اند. به روز دوشنبه یکبار دیگر این زندان مورد حملات مبارزان قرار گرفت که از اثر آن دو سرباز امریکایی کشته شدند و همچنان از اثر انفجار یک موتر بمب گذاری شده در جوار همین زندان پنج نفر به شمول سه محافظ زندان به قتل رسیدند.



رئیس پارلمان عراق انتخاب شد



نمایندگان پارلمان عراق، به روز یکشنبه گذشته برای سومین بار از زمان تشکیل این پارلمان تشکیل جلسه دادند.

نمایندگان در این جلسه بر سر انتخاب حاجم الحسنی وزیر کنونی صنایع به عنوان رئیس پارلمان یا مجمع ملی آن کشور به توافق رسیدند، آقای حسنی سنی مذهب است. وی از منتقدان صریح عملیات نظامی نیروهای تحت رهبری امریکا علیه شورش های فلوجه بود و قبل بر این از تصدی در این پست ابا ورزیده بود.

مجمع ملی عراق قرار است در روز های آینده رئیس جمهور را که یک پست نمادین است نیز انتخاب نماید و جلال طالبانی از رهبران گروه های عراقی کاندیدای اصلی این پست می باشد و صدر اعظم کشور از میان شیعه ها برگزیده می شود.

د کانونو لوټماران باید مجازات شي

ش ـ زیارمل

خو ورځې مخکې د آزادي راډیو خبر ورکړ چې د خوست په ولایت کې په قیمتي ډبرو بار څلور کامار موټر چې ګاونډي هیواد پاکستان ته روان و د یو قاچاقبر په ګډون ونیول شول.

دغه راز څه موده مخکې هم دهیواد په جنوب کې د دغه راز ارزښتناکو ډبرو قاچاق نیول شوي و خو دا معلومه نه شوه چې د دغه راز موادو په قاچاق او له کانونو څخه د هغو په را برسیره کې د چالاس دي او دا څوک دي چې د ملي شتمنیو د لوټ او قاچاق له لارې جیل ژوند تامینوي او د ډالرو زیرمې پیدا کوي.

د ځینو باوري احصائیو له مخې هر کال زموږ ګاونډي هیوادونه د افغانستان د قیمتي او نیمه قیمتي ډبرو د صادراتو له درکه شل میلیونه ډالر تر لاسه کوي. دغه مطلب د افغانستان د صنعتکارو او سوداګرو د ټولنې د قیمتي ډبرو رئیس خلیل فیروز هم تائید کړی او زیاته کړې ئې ده.

په ځینو سیمو کې د یو سمیر په څېله کېه سو حلکو له خوا قیمتي ډبرې په غیر فني توګه له کانونو څخه را ایستلې کیږي او د قاچاق په توګه زموږ ګاونډیو هیوادو ته وړل کیږي چې دا کار دوه زیانه لري یو دا چې قیمتي ډبرې د چاودیدونکو موادو د استعمال له امله ضایع کیږي او دویم دا چې دا زموږ ملي شتمني ده او د ملي شتمنې دلوټ کولو او صادرولو له لارې چې کومې پیسې تر لاسه کیږي هغه بیا د ملت جیب ته نه بلکه د غلو جیب ته ورځي او دهیواد صادراتو ته تاوان رسیږي.

دغه راز له کانونو څخه په ابتدائي او عنعنوي توګه د قیمتي ډبرو رایستل چې زیاتره په کان کې صوف وهل کیږي او بیا په دغو صوفونو او ځمځوکي چاودیدونکي مواد اچول کیږي د مرمرو په څېر د ارزښتناکو ډبرو سرالونه له مینځه وړي او ډبرې زیاتره په وړو وړو ټوټو ویشلې کیږي چې بیا ځپله اصلي بیه نه کوي او ارزښت ئې کمیږي.

اوس د دې لپاره چې دغه راز قیمتي ډبرې په فني او مسلکي توګه را برسیره شي د کانو او صنایعو وزارت له خوا یوه ټولنه جوړه شوې چې البته دنده ئې په فني توګه د دغه راز ډبرو رایستل او برابرول دي.

داسې معلومیږي چې هرکال د قیمتي او نیمه قیمتي ډبرو د تکس، مالیې پلورلو او پیرودلو له لارې دري میلیونه ډالرو د بهرنیو هیوادو د سوداګرو په جیب کې پریوځي.

د کانو او صنایعو وزارت د اړوندې ټولنې د یوې باورې سرچینې له خولې د افغانستان په کانونو کې یو سلو دري ډوله قیمتي او نیمه قیمتي ډبرې شته چې د بده مرغه تر اوسه لا دغې ملي شتمني څخه د هیواد په ګټه کار نه دی اخیستل شوي، زیاتره ئې د سیمې د نفوذ لرونکو کسانو له خوا په غیر قانوني توګه او په غیر فني ډول را ایستل کیږي او بهرنیو هیوادوته د قاچاق په ډول وړل کیږي.

په دې لړ کې د پنجشیر د زمرډو د بدخشان ولایت د لاجوردو، د سروبي د یاقوتو کانونه یادولي شو چې ټول ئې د سیمې د قوماندانانو له خوا په غیر فني توګه را ایستل کیږي او بهرنیو هیوادوته د قاچاق په توګه استول کیږي.

د خلکو هیله داده چې کانونه ملي شتمني ده او باید دغه راز ملي شتمني که قیمتي ډبرې وي

۶ مخ